

بررسی تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر خشونت دانش‌آموزان: یک مطالعه پیمایشی با استفاده از پرسشنامه پرخاشگری AGQ

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۳/۰۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۲۰

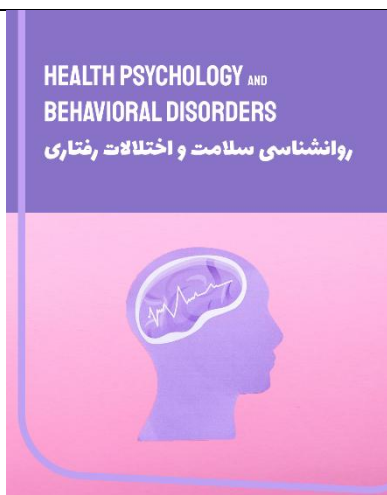
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۴

تاریخ چاپ نهایی: ۱۴۰۳/۰۶/۰۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر پرخاشگری دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهر یزد انجام شد. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش گردآوری داده‌ها توصیفی از نوع پیمایشی بود. جامعه آماری شامل ۷۶۰۰ دانش‌آموز مقطع متوسطه دوم شهر یزد در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بود که از میان آنان ۳۶۵ نفر با استفاده از فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه محقق ساخته سنجش میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و پرسشنامه ۳۰ گویه‌ای پرخاشگری AGQ شامل ابعاد پرخاشگری فیزیکی، پرخاشگری کلامی، خشم و خصومت بود. ضرایب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه محقق ساخته و AGQ به ترتیب ۰.۸۷ و ۰.۸۹ به دست آمد. داده‌ها با استفاده از SPSS نسخه ۲۶ و ۴ Smart PLS و از طریق ضریب همبستگی پیرسون، آزمون‌های مقایسه‌ای و مدل‌سازی معادلات ساختاری تحلیل شدند. بین مدت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و نمره کل پرخاشگری رابطه مثبت و معناداری وجود داشت ($r = 0.58, p < 0.01$). جنسیت با نوع خشونت رابطه معناداری داشت ($p < 0.05$), در حالی که رابطه پایگاه اقتصادی — اجتماعی با خشونت مجازی معنادار نبود ($p > 0.05$). در مدل ساختاری، مدت استفاده بر تجربه خشونت مجازی ($\beta = 0.71$)، نگرش‌های پرخاشگری‌زا ($\beta = 0.33$) و پرخاشگری کلی ($\beta = 0.18$) اثر معنادار داشت. تجربه خشونت مجازی ($\beta = 0.58$) و نگرش‌های پرخاشگری‌زا ($\beta = 0.42$) نیز پرخاشگری کلی را به طور معنادار پیش‌بینی کردند. اثرات غیرمستقیم مدت استفاده بر پرخاشگری از طریق تجربه خشونت مجازی ($\beta = 0.41$) و نگرش‌های پرخاشگری‌زا ($\beta = 0.14$) معنادار بود و اثر کل مدت استفاده بر پرخاشگری برابر با ۰.۷۳ به دست آمد ($p < 0.001$). افزایش مدت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با سطوح بالاتر پرخاشگری در دانش‌آموزان همراه است و تجربه خشونت مجازی و نگرش‌های پرخاشگری‌زا می‌توانند نقش میانجی مهمی در این رابطه داشته باشند؛ بنابراین، اجرای برنامه‌های آموزشی در زمینه سواد رسانه‌ای، خودتنظیمی، مدیریت خشم و پیشگیری از خشونت مجازی در مدارس ضروری به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌گان: شبکه‌های اجتماعی مجازی، پرخاشگری، خشونت مجازی، دانش‌آموزان، پرسشنامه پرخاشگری AGQ، قلدری مجازی



آزاده عظیمی فرد^۱، سید محمودرضا مرتضوی^{۲*}،
علی محمد مزیدی شریف آبادی^۲

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، گروه ارتباطات، واحد
میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران.
۲. استادیار گروه ارتباطات، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی،
میبد، ایران.

* ایمیل نویسنده مسئول:

seyadmahmoodreza.mortazavi@iau.ir

شیوه استناددهی: عظیمی فرد، آزاده، مرتضوی، سید محمودرضا، و مزیدی شریف آبادی، علی محمد. (۱۴۰۳). بررسی تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر خشونت دانش‌آموزان: یک مطالعه پیمایشی با استفاده از پرسشنامه پرخاشگری AGQ. *روانشناسی سلامت و اختلالات رفتاری*, ۲(۲), ۱-۲۰.

The Effect of Virtual Social Network Use on Students' Aggression: A Survey Study Using the Aggression Questionnaire (AGQ)

Submit Date:
2024-05-25

Revise Date:
2024-08-10

Accept Date:
2024-08-14

Final Publish Date:
2024-08-22

Abstract

This study aimed to examine the effect of virtual social network use on aggression among upper secondary school students in Yazd. This applied study used a descriptive survey design. The statistical population consisted of 7,600 upper secondary school students in Yazd during the 2023–2024 academic year, from whom 365 students were selected using Cochran's formula and random sampling. Data were collected using a researcher-developed questionnaire assessing social media use and the 30-item Aggression Questionnaire (AGQ), which measures physical aggression, verbal aggression, anger, and hostility. Cronbach's alpha coefficients were 0.87 for the researcher-developed questionnaire and 0.89 for the AGQ. Data were analyzed using SPSS version 26 and SmartPLS 4 through Pearson correlation analysis, comparative statistical tests, and partial least squares structural equation modeling. A significant positive relationship was found between duration of social media use and total aggression ($r = 0.58$, $p < 0.01$). Gender was significantly associated with type of violence ($p < 0.05$), whereas socioeconomic status was not significantly related to cyber violence ($p > 0.05$). In the structural model, duration of social media use significantly predicted cyber violence experience ($\beta = 0.71$), aggression-promoting attitudes ($\beta = 0.33$), and overall aggression ($\beta = 0.18$). Cyber violence experience ($\beta = 0.58$) and aggression-promoting attitudes ($\beta = 0.42$) significantly predicted overall aggression. The indirect effects of social media use on aggression through cyber violence experience ($\beta = 0.41$) and aggression-promoting attitudes ($\beta = 0.14$) were significant. The total effect of social media use on aggression was 0.73 ($p < 0.001$). Greater use of virtual social networks is associated with higher levels of aggression among students, and cyber violence experience and aggression-promoting attitudes appear to play important mediating roles; therefore, school-based programs focusing on media literacy, self-regulation, anger management, and cyber-violence prevention are recommended.

Keywords: Virtual social networks, Aggression, Cyber violence, Students, Aggression Questionnaire, Cyberbullying

HEALTH PSYCHOLOGY AND
BEHAVIORAL DISORDERS

روانشناسی سلامت و اختلالات رفتاری



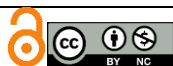
Azadeh Azimifard¹, Seyed Mahmoudreza Mortazavi^{2*}, Ali Mohammad Mazidi Sharifabadi²

1. PhD Student, Department of Communication Meybod Branch, Islamic Azad University, Meybod, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Communication, Meybod Branch, Islamic Azad University, Meybod, Iran.

*Corresponding Author's Email: seyadmahmoodreza.mortazavi@iaui.ir

How to cite: Azimifard, A., Mortazavi, S.M., & Mazidi Sharifabadi, A.M. (2024). The Effect of Virtual Social Network Use on Students' Aggression: A Survey Study Using the Aggression Questionnaire (AGQ). *Health Psychology and Behavioral Disorders*, 2(2), 1-20.



مقدمه

گسترش فناوری‌های ارتباطی و نفوذ روزافزون اینترنت در زندگی روزمره، شیوه‌های تعامل، یادگیری، سرگرمی و ارتباطات اجتماعی نوجوانان را به‌طور اساسی دگرگون کرده است. در میان ابزارهای نوین ارتباطی، شبکه‌های اجتماعی مجازی به یکی از مهم‌ترین بسترهای حضور و فعالیت نوجوانان تبدیل شده‌اند و بخش قابل توجهی از زمان روزانه آنان را به خود اختصاص می‌دهند. این شبکه‌ها امکان برقراری ارتباط سریع، دسترسی گسترده به اطلاعات، مشارکت در گروه‌های اجتماعی، بیان دیدگاه‌ها و شکل‌دهی به هویت فردی و اجتماعی را فراهم می‌کنند؛ با این حال، استفاده گسترده و بدون نظارت از آنها می‌تواند با مجموعه‌ای از پیامدهای روان‌شناختی، اجتماعی و رفتاری همراه باشد. در میان دانش‌آموزان، به دلیل ویژگی‌های تحولی دوره نوجوانی از جمله حساسیت به پذیرش اجتماعی، تأثیرپذیری از همسالان، جست‌وجوی هویت و افزایش استقلال از خانواده، آثار مثبت و منفی فضای مجازی اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند. از این منظر، شبکه‌های اجتماعی صرفاً ابزارهایی برای ارتباط نیستند، بلکه محیط‌هایی اجتماعی محسوب می‌شوند که می‌توانند فرایندهای هیجانی، شناختی و رفتاری نوجوانان را تحت تأثیر قرار دهند (Barry, 2022; Zakaei, 2020).

دوره نوجوانی مرحله‌ای حساس از تحول روانی و اجتماعی است که در آن تنظیم هیجان، خودکنترلی، تعامل با همسالان و شکل‌گیری الگوهای رفتاری پایدار اهمیت ویژه‌ای دارند. در این دوره، تجربه‌های اجتماعی نوجوانان می‌تواند بر نحوه مدیریت خشم، مواجهه با تعارض و شیوه‌های ابراز رفتارهای پرخاشگرانه اثر بگذارد. فضای مجازی، به دلیل ویژگی‌هایی مانند سرعت بالای تبادل پیام، امکان ناشناس ماندن، محدود بودن نشانه‌های غیرکلامی، کاهش کنترل مستقیم بزرگسالان و سهولت دسترسی به محتوای مختلف، شرایط متفاوتی را برای تعامل نوجوانان ایجاد کرده است. در چنین محیطی، رفتارهایی که در ارتباطات حضوری ممکن است با محدودیت‌های اجتماعی بیشتری مواجه شوند، می‌توانند به آسانی بروز پیدا کنند. بر این اساس، افزایش استفاده از شبکه‌های اجتماعی ممکن است زمینه را برای مواجهه مکرر با تعارضات بین‌فردی، محتوای خشونت‌آمیز، تمسخر، تهدید، طرد اجتماعی یا سایر اشکال پرخاشگری فراهم سازد (Saeidi, 2024; Zolfaghari & Nouri, 2022).

یکی از مهم‌ترین پیامدهای مورد توجه در این زمینه، پرخاشگری دانش‌آموزان است. پرخاشگری سازه‌ای چندبعدی است و می‌تواند در قالب پرخاشگری فیزیکی، پرخاشگری کلامی، خشم و خصومت ظاهر شود. پرخاشگری فیزیکی شامل رفتارهایی است که با هدف آسیب جسمانی به دیگران انجام می‌شوند، در حالی که پرخاشگری کلامی از طریق توهین، ناسزاگویی، تهدید یا بیان خصمانه بروز می‌یابد. خشم بیشتر مؤلفه هیجانی پرخاشگری را منعکس می‌کند و خصومت نیز به نگرش‌های شناختی منفی نسبت به دیگران، بدبینی، سوءظن و احساس کینه اشاره دارد. اهمیت بررسی این مؤلفه‌ها در محیط‌های آموزشی از آنجا ناشی می‌شود که پرخاشگری می‌تواند کیفیت روابط همسالان، سازگاری تحصیلی، سلامت روان و عملکرد اجتماعی دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین، استمرار رفتارهای پرخاشگرانه در دوره نوجوانی می‌تواند زمینه‌ساز مشکلات پایدارتر در مراحل بعدی زندگی شود (Amiri & Fallah, 2023; Minaei, 2022).

یکی از چارچوب‌های نظری مهم برای تبیین ارتباط میان رسانه و پرخاشگری، مدل عمومی پرخاشگری است. بر اساس این دیدگاه، مواجهه با محرک‌های خشونت‌آمیز می‌تواند شناخت‌ها، هیجان‌ها و برانگیختگی مرتبط با پرخاشگری را فعال کند و احتمال بروز پاسخ‌های پرخاشگرانه را افزایش دهد. تکرار چنین تجربه‌هایی می‌تواند در طول زمان به شکل‌گیری ساختارهای شناختی، باورها و انتظاراتی منجر شود که رفتارهای پرخاشگرانه را در موقعیت‌های مختلف تسهیل می‌کنند. رسانه‌های اجتماعی در مقایسه با رسانه‌های سنتی دارای ماهیتی تعاملی هستند و کاربران نه تنها دریافت‌کننده محتوا، بلکه تولیدکننده، بازنشرکننده و مشارکت‌کننده در تعاملات اجتماعی نیز محسوب می‌شوند. به همین دلیل، نوجوان ممکن است هم در معرض محتوای خشونت‌آمیز قرار گیرد و هم خود در تولید یا انتشار پاسخ‌های پرخاشگرانه مشارکت کند. این فرایند می‌تواند رابطه میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و رفتار پرخاشگرانه را تقویت کند (Anderson & Bushman, 2021).

از سوی دیگر، شبکه‌های اجتماعی زمینه شکل‌گیری اشکال جدیدی از پرخاشگری را فراهم کرده‌اند که در ادبیات پژوهشی با مفاهیمی مانند پرخاشگری سایبری، قلدری مجازی و خشونت رابطه‌ای آنلاین شناخته می‌شوند. قلدری مجازی معمولاً شامل رفتارهای عمدی و مکرری است که از طریق ابزارهای دیجیتال برای تهدید، تحقیر، آزار، تمسخر یا آسیب رساندن به فرد دیگر انجام می‌شود. این رفتارها ممکن است از طریق پیام‌های توهین‌آمیز، انتشار شایعات، انتشار تصاویر خصوصی، حذف فرد از گروه‌های مجازی، ساخت حساب‌های جعلی یا ارسال محتوای تهدیدآمیز بروز پیدا کنند. برخلاف قلدری سنتی، قلدری مجازی می‌تواند خارج از محیط مدرسه و در تمام ساعات شبانه‌روز ادامه یابد و محتوای آسیب‌زا نیز ممکن است در مدت کوتاهی در اختیار تعداد زیادی از کاربران قرار گیرد (Chakraborty et al., 2021; Hinduja & Patchin, 2018).

مطالعات تحولی درباره قلدری مجازی نیز نشان داده‌اند که نوجوانان به دلیل ویژگی‌های شناختی، هیجانی و اجتماعی خاص این دوره در برابر چنین تجربه‌هایی آسیب‌پذیری بیشتری دارند. در قلدری مجازی، تفاوت قدرت میان فرد آزارگر و قربانی لزوماً به قدرت جسمانی محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند ناشی از مهارت دیجیتال، محبوبیت آنلاین، دسترسی به اطلاعات خصوصی یا توانایی بسیج سایر کاربران باشد. افزون بر این، دشواری در فرار از محیط مجازی و امکان تکرار و بازنشر محتوا می‌تواند آثار روانی این نوع خشونت را تشدید کند. مطالعات نشان می‌دهند که تجربه یا مشارکت در قلدری مجازی با مجموعه‌ای از مشکلات رفتاری و هیجانی همراه است و عوامل حمایتی مانند نظارت والدین، پیوند مثبت با مدرسه و برخورداری از مهارت‌های خودتنظیمی می‌توانند شدت این آسیب‌ها را کاهش دهند (Hinduja & Patchin, 2023; Kowalski et al., 2019).

با وجود آنکه بسیاری از پژوهش‌ها بر قلدری سایبری در دوره نوجوانی تمرکز کرده‌اند، باید توجه داشت که رفتارهای پرخاشگرانه در محیط آنلاین محدود به سنین مدرسه نیستند و می‌توانند در مراحل مختلف زندگی نیز ادامه پیدا کنند. بررسی‌های انجام‌شده درباره قلدری و قلدری سایبری در بزرگسالی و محیط‌های کاری نشان داده‌اند که الگوهای تعارض و خشونت دیجیتال می‌توانند در بسترهای اجتماعی مختلف تداوم داشته باشند. از این منظر، شناسایی عوامل مرتبط با پرخاشگری آنلاین در نوجوانی نه تنها برای کاهش مشکلات جاری دانش‌آموزان، بلکه برای پیشگیری از تثبیت الگوهای ناسازگار رفتاری در آینده نیز اهمیت دارد (Kowalski, 2020). به همین دلیل، مدرسه یکی از مهم‌ترین محیط‌هایی است که می‌تواند در تشخیص زودهنگام و کاهش آثار رفتاری استفاده ناسالم از شبکه‌های اجتماعی نقش داشته باشد.

یکی دیگر از موضوعات مهم در این زمینه، مدت و شدت استفاده از شبکه‌های اجتماعی است. صرف حضور در شبکه‌های اجتماعی الزاماً به معنای بروز پیامدهای منفی نیست، اما استفاده طولانی‌مدت، مکرر یا کنترل‌نشده می‌تواند احتمال مواجهه با عوامل خطر را افزایش دهد. نوجوانانی که زمان بیشتری را در شبکه‌های اجتماعی سپری می‌کنند، فرصت بیشتری برای مواجهه با تعارضات آنلاین، مقایسه‌های اجتماعی، محتوای تحریک‌کننده و تعاملات خصمانه دارند. همچنین، مصرف گسترده رسانه‌های اجتماعی ممکن است جایگزین بخشی از تعاملات چهره‌به‌چهره شود و بر احساس ارتباط اجتماعی فرد تأثیر بگذارد. پژوهش‌هایی درباره استفاده از رسانه‌های اجتماعی و احساس انزوای اجتماعی نشان داده‌اند که شدت بیشتر استفاده می‌تواند با ادراک بالاتر انزوای اجتماعی همراه باشد؛ موضوعی که از منظر سلامت روان و تنظیم هیجانی اهمیت زیادی دارد (Primack, 2023).

در کنار مدت استفاده، کیفیت تعاملات در شبکه‌های اجتماعی نیز نقش مهمی در پیامدهای رفتاری دارد. تجربه‌های منفی در ارتباطات دیجیتال می‌توانند اشکال مختلفی داشته باشند. برای مثال، سوءاستفاده در روابط عاطفی نوجوانان از طریق فناوری ممکن است شامل کنترل مداوم، تهدید، نظارت دیجیتال، انتشار اطلاعات خصوصی یا ایجاد فشار روانی باشد. مرورهای انجام‌شده درباره سوءاستفاده سایبری در روابط عاطفی نوجوانان نشان داده‌اند که فناوری می‌تواند هم ابزار برقراری رابطه و هم وسیله‌ای برای اعمال کنترل و خشونت باشد. این یافته‌ها نشان می‌دهند که بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر خشونت نوجوانان باید فراتر از مشاهده صرف محتوای رسانه‌ای باشد و تجربه‌های تعاملی، ارتباطی و رابطه‌ای آنان نیز مورد توجه قرار گیرد (Afrouz & Vassos, 2024).

در این میان، خودکنترلی یکی از متغیرهای مهم در تبیین رابطه میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و پرخاشگری محسوب می‌شود. نوجوانانی که از توانایی بیشتری برای کنترل تکانه‌ها، مدیریت خشم و تنظیم هیجان برخوردارند، ممکن است در مواجهه با محرک‌های منفی فضای مجازی واکنش‌های سازگارانه‌تری نشان دهند. در مقابل، کاهش خودکنترلی می‌تواند احتمال پاسخ‌های تکانشی و پرخاشگرانه را افزایش دهد. یافته‌های پژوهشی در جامعه نوجوانان نشان داده‌اند که میان استفاده از رسانه‌های اجتماعی، پرخاشگری و خودکنترلی ارتباط وجود دارد و جنسیت نیز می‌تواند در شدت یا الگوی این روابط نقش تعدیل‌کننده داشته باشد (Amiri & Fallah, 2023). این مسئله اهمیت توجه همزمان به ویژگی‌های فردی و الگوی استفاده از رسانه را در تحلیل پرخاشگری دانش‌آموزان نشان می‌دهد.

مطالعات انجام‌شده در ایران نیز وجود ارتباط میان فضای مجازی و رفتارهای پرخاشگرانه دانش‌آموزان را مورد توجه قرار داده‌اند. نتایج برخی پژوهش‌ها نشان داده است که حضور گسترده در فضای مجازی می‌تواند با افزایش رفتارهای پرخاشگرانه و تغییر در فرایند تربیت هیجانی دانش‌آموزان همراه باشد. این مسئله می‌تواند ناشی از ترکیبی از عوامل مانند مواجهه با محتوای خشونت‌آمیز، کاهش نظارت اجتماعی، الگوبرداری از رفتارهای مشاهده‌شده و تجربه تعارضات آنلاین باشد (Alizadeh & Shamsi, 2023). همچنین، بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی و بازی‌های رایانه‌ای در میان دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم نشان داده است که استفاده از این رسانه‌ها می‌تواند با پرخاشگری و برخی مشکلات مرتبط با محیط آموزشی همراه باشد (Balazadeh, 2020). این یافته‌ها بر ضرورت مطالعه دقیق‌تر الگوهای مصرف رسانه‌ای در جمعیت دانش‌آموزی تأکید می‌کنند.

از منظر فرهنگی نیز فضای مجازی را نمی‌توان جدا از بافت اجتماعی نوجوانان بررسی کرد. ارزش‌ها، هنجارها، شیوه‌های ارتباط خانوادگی و مدرسه‌ای و نگرش‌های اجتماعی نسبت به فناوری می‌توانند بر نحوه استفاده نوجوانان از شبکه‌های اجتماعی اثر بگذارند. شبکه‌های اجتماعی از یک سو ظرفیت‌هایی مانند گسترش ارتباط، افزایش دسترسی به اطلاعات، تقویت فرصت‌های یادگیری و مشارکت اجتماعی را فراهم می‌کنند و از سوی دیگر می‌توانند زمینه‌ساز مواجهه با تهدیدهایی نظیر کاهش حریم خصوصی، وابستگی بیش از حد به فضای مجازی، تعارضات ارتباطی و افزایش آسیب‌های روانی و اجتماعی شوند (Zakaei, 2020). بر این اساس، نگاه یک‌سویه به فضای مجازی به عنوان پدیده‌ای صرفاً زیان‌بار یا صرفاً سودمند نمی‌تواند پیچیدگی آثار آن بر نوجوانان را توضیح دهد.

در سال‌های اخیر، مفهوم آسیب‌شناسی روانی - اجتماعی فضای مجازی نیز برای تبیین پیامدهای استفاده نامناسب از این فضا مورد توجه قرار گرفته است. این رویکرد بر آن است که پیامدهای منفی فضای مجازی حاصل تعامل میان ویژگی‌های فردی، خانواده، گروه همسالان، مدرسه و محیط دیجیتال است. از این منظر، پرخاشگری نوجوانان ممکن است در نتیجه تعامل چندین عامل مانند مصرف زیاد شبکه‌های اجتماعی، تجربه آزار آنلاین، ضعف در تنظیم هیجانی، الگوبرداری از رفتارهای خشونت‌آمیز و فقدان حمایت کافی شکل گیرد (Zolfaghari & Nouri, 2022). چنین چارچوبی ضرورت استفاده از رویکردهای چندسطحی را در مطالعه خشونت دانش‌آموزان برجسته می‌کند.

اهمیت آموزش پیشگیرانه نیز در مطالعات مختلف مورد تأکید قرار گرفته است. توسعه سواد رسانه‌ای، آموزش مهارت‌های خودتنظیمی، افزایش آگاهی دانش‌آموزان درباره مخاطرات فضای مجازی و ارتقای توانایی آنان برای مدیریت تعارضات آنلاین می‌تواند از پیامدهای منفی استفاده از شبکه‌های اجتماعی بکاهد. پژوهش‌هایی که به طراحی الگوهای آموزشی برای پیشگیری از آسیب‌های فضای مجازی در میان دانش‌آموزان پرداخته‌اند، نشان داده‌اند که مدرسه می‌تواند نقش محوری در آموزش رفتار مسئولانه دیجیتال، تقویت مهارت‌های ارتباطی و ارتقای آگاهی دانش‌آموزان داشته باشد (Ghasemi & Mousavi, 2022). در این چارچوب، پیشگیری مؤثر نیازمند همکاری مدرسه، خانواده و سایر نهادهای اجتماعی است.

سواد رسانه‌ای نیز به عنوان یکی از عوامل محافظتی مهم در برابر رفتارهای پرخطر آنلاین مطرح شده است. نوجوانانی که توانایی بیشتری در تحلیل انتقادی محتوا، تشخیص مخاطرات، مدیریت حریم خصوصی و ارزیابی پیامدهای رفتار آنلاین دارند، ممکن است کمتر در معرض رفتارهای پرخطر یا تعاملات آسیب‌زا قرار گیرند. بررسی رفتارهای پرخطر آنلاین در نوجوانان کشورهای مختلف نشان داده است که سواد

رسانه‌ای می‌تواند با الگوی مواجهه نوجوانان با مخاطرات فضای مجازی ارتباط داشته باشد (Wright & Wachs, 2023). بنابراین، توجه به آموزش سواد رسانه‌ای می‌تواند بخشی از مداخلات پیشگیرانه برای کاهش پرخاشگری و خشونت مرتبط با فضای مجازی باشد. در همین راستا، پژوهش‌های داخلی نیز بر ضرورت توجه نظام آموزشی به پیامدهای اینترنت و فضای مجازی تأکید کرده‌اند. استفاده از اینترنت در میان دانش‌آموزان، حتی در سنین پایین‌تر، با فرصت‌ها و چالش‌های متعددی همراه است و بدون آموزش و نظارت مناسب می‌تواند به شکل‌گیری الگوهای نامطلوب رفتاری منجر شود (Saedi, 2024). با افزایش سن و ورود دانش‌آموزان به دوره متوسطه، دسترسی مستقل‌تر به تلفن همراه و شبکه‌های اجتماعی و افزایش تعامل با همسالان می‌تواند این مسئله را پیچیده‌تر سازد. از این رو، مطالعه الگوهای مصرف شبکه‌های اجتماعی در دانش‌آموزان متوسطه دوم می‌تواند اطلاعات کاربردی‌تری برای طراحی برنامه‌های مداخله‌ای فراهم آورد.

پرخاصگری سایبری نیز به عنوان شکلی متمایز اما مرتبط با پرخاصگری عمومی، اهمیت ویژه‌ای در این حوزه دارد. بررسی‌های انجام‌شده در مورد پرخاصگری سایبری نوجوانان نشان داده‌اند که این سازه می‌تواند با رفتارهایی مانند ارسال پیام‌های توهین‌آمیز، تهدید، تمسخر، شایعه‌پراکنی و تلاش برای آسیب به روابط اجتماعی دیگران همراه باشد (Minaei, 2022). تکرار چنین رفتارهایی در محیط‌های دیجیتال می‌تواند به تدریج نگرش‌های پرخاصگرانه را عادی سازد و مرز میان تعامل معمول و رفتار آسیب‌زننده را برای برخی کاربران کاهش دهد. در عین حال، افرادی که خود قربانی پرخاصگری سایبری هستند نیز ممکن است واکنش‌هایی مانند خشم، خصومت یا رفتار تلافی‌جویانه نشان دهند.

مطالعات مروری درباره قلدری سایبری نیز نشان می‌دهند که این پدیده ماهیتی پیچیده و چندعلتی دارد و نمی‌توان آن را تنها به یک عامل مانند مدت استفاده از اینترنت نسبت داد. متغیرهایی مانند ویژگی‌های شخصیتی، کیفیت روابط خانوادگی، حمایت اجتماعی، فرهنگ مدرسه، تجربه قلدری سنتی و هنجارهای گروه همسالان می‌توانند در بروز یا تداوم این رفتار نقش داشته باشند (Chakraborty et al., 2021). با این حال، افزایش مدت حضور در محیط‌های دیجیتال می‌تواند فرصت مواجهه با چنین عوامل خطری را افزایش دهد و از این رو همچنان یکی از شاخص‌های مهم برای بررسی تجربی محسوب می‌شود.

از سوی دیگر، شواهد مربوط به قلدری سایبری در گروه‌های سنی پایین‌تر نیز نشان می‌دهد که این مسئله تنها محدود به نوجوانان بزرگ‌تر نیست. پژوهش درباره شیوع، پیامدها و رفتارهای کمک‌جویانه مرتبط با قلدری سایبری در نوجوانان کم‌سن‌تر نشان داده است که تجربه آزار آنلاین می‌تواند با پیامدهای قابل توجه روانی و اجتماعی همراه باشد و نحوه واکنش و کمک‌خواهی نوجوانان نیز در کاهش پیامدها اهمیت دارد (Hinduja & Patchin, 2023). بنابراین، شناسایی زودهنگام رفتارهای خشونت‌آمیز مرتبط با فضای مجازی و آموزش راهبردهای مواجهه مناسب باید بخشی از برنامه‌های پیشگیرانه مدارس باشد.

همچنین، شناخت ابعاد پرخاصگری دانش‌آموزان از طریق ابزارهای استاندارد می‌تواند امکان بررسی دقیق‌تر رابطه میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و مؤلفه‌های مختلف خشونت را فراهم کند. به جای محدود کردن ارزیابی به یک شاخص کلی، بررسی جداگانه پرخاصگری فیزیکی، پرخاصگری کلامی، خشم و خصومت امکان مشخص کردن این موضوع را فراهم می‌آورد که کدام مؤلفه بیشترین ارتباط را با الگوی استفاده از شبکه‌های اجتماعی دارد. این تفکیک از نظر کاربردی نیز مهم است، زیرا مداخلات مورد نیاز برای کاهش خشم، اصلاح نگرش‌های خصمانه یا کاهش رفتارهای پرخاصگرانه کلامی ممکن است متفاوت باشند.

در مجموع، مرور ادبیات نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی در کنار فرصت‌های ارتباطی و آموزشی، می‌توانند زمینه شکل‌گیری یا تقویت برخی رفتارهای پرخاصگرانه را نیز فراهم کنند. این ارتباط از طریق سازوکارهای مختلفی مانند مواجهه با محتوای خشونت‌آمیز، تجربه قلدری سایبری، افزایش تعارضات ارتباطی، کاهش خودکنترلی، تقویت نگرش‌های پرخاصگرانه و افزایش احساس انزوای اجتماعی قابل تبیین است (Anderson & Bushman, 2021; Kowalski et al., 2019; Primack, 2023). در عین حال، عوامل محافظتی نظیر سواد رسانه‌ای،

حمایت خانوادگی، آموزش مدرسه‌ای و مهارت‌های تنظیم هیجانی می‌توانند شدت این روابط را کاهش دهند (Ghasemi & Mousavi, 2023).

(2022; Wright & Wachs, 2023). با وجود افزایش پژوهش‌ها در این حوزه، همچنان بررسی‌های پیمایشی در بافت‌های آموزشی ایران که به طور همزمان میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و ابعاد مختلف پرخاشگری دانش‌آموزان را بررسی کنند، اهمیت دارد. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر پرخاشگری دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهر یزد با استفاده از پرسشنامه پرخاشگری AGQ بود.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع پیمایشی بود و با هدف بررسی تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر میزان پرخاشگری دانش‌آموزان انجام شد. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهر یزد در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ تشکیل دادند که تعداد آنان بر اساس آمار رسمی آموزش و پرورش شهر یزد ۷۶۰۰ نفر بود. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران برای جامعه محدود، با در نظر گرفتن سطح خطای ۰,۰۵ و برآورد واریانس بر اساس مطالعات پیشین، ۳۶۵ نفر تعیین شد. انتخاب شرکت‌کنندگان با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی انجام گرفت. به این منظور، ابتدا از میان مناطق آموزش و پرورش شهر یزد، ۵ منطقه به صورت تصادفی انتخاب شدند و سپس از هر منطقه ۴ مدرسه به شکل تصادفی انتخاب شد. در ادامه، دانش‌آموزان واجد شرایط از مدارس منتخب برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند تا نمونه‌ای متناسب با جامعه دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهر یزد فراهم شود. معیارهای ورود به پژوهش شامل اشتغال به تحصیل در مقطع متوسطه دوم در سال تحصیلی مورد بررسی، برخورداری از تجربه استفاده از حداقل یکی از شبکه‌های اجتماعی مجازی، تمایل به شرکت در پژوهش و تکمیل پرسشنامه‌ها بود. پرسشنامه‌های ناقص یا پاسخ‌نامه‌هایی که بخش قابل توجهی از سؤالات آنها بدون پاسخ باقی مانده بود، از فرایند تحلیل کنار گذاشته شدند. پس از اخذ مجوزهای لازم از مسئولان آموزش و پرورش و هماهنگی با مدیران مدارس منتخب، اهداف کلی پژوهش برای دانش‌آموزان توضیح داده شد و بر محرمانه ماندن اطلاعات، ناشناس بودن پاسخ‌ها و استفاده از داده‌ها صرفاً برای اهداف علمی تأکید شد. پرسشنامه‌ها در محیط مدارس و در شرایط نسبتاً یکسان در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت و زمان مورد نیاز برای تکمیل مجموعه پرسشنامه‌ها حدود ۲۵ تا ۳۰ دقیقه بود. شرکت در پژوهش اختیاری بود و دانش‌آموزان می‌توانستند در هر مرحله از تکمیل پرسشنامه از ادامه همکاری خودداری کنند.

برای گردآوری داده‌های پژوهش از یک پرسشنامه محقق‌ساخته مربوط به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و همچنین پرسشنامه استاندارد پرخاشگری AGQ استفاده شد. پرسشنامه محقق‌ساخته از دو بخش اصلی تشکیل شده بود. بخش نخست شامل ۶ سؤال مربوط به اطلاعات جمعیت‌شناختی و ویژگی‌های زمینه‌ای شرکت‌کنندگان بود و اطلاعات لازم برای توصیف ویژگی‌های نمونه پژوهش را فراهم می‌کرد. بخش دوم شامل ۸ سؤال درباره نحوه و میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بود. این بخش به بررسی جنبه‌هایی نظیر میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی، مدت و الگوی استفاده و سایر ویژگی‌های مرتبط با حضور دانش‌آموزان در فضای شبکه‌های اجتماعی اختصاص داشت. برای بررسی روایی محتوایی این ابزار، پرسشنامه در اختیار ۵ نفر از متخصصان حوزه‌های علوم تربیتی و روان‌شناسی قرار گرفت و پس از دریافت دیدگاه‌های تخصصی آنان، اصلاحات لازم در نحوه بیان و محتوای سؤالات انجام شد. بر اساس ارزیابی متخصصان، تناسب محتوای سؤالات با اهداف پژوهش مورد تأیید قرار گرفت. همچنین، روایی سازه پرسشنامه با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی مورد بررسی قرار گرفت تا ساختار درونی گویه‌ها و میزان همسویی آنها با سازه مورد سنجش ارزیابی شود. پایایی پرسشنامه محقق‌ساخته نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که مقدار ۰,۸۷ به دست آمد و نشان‌دهنده همسانی درونی مطلوب ابزار بود. برای سنجش پرخاشگری دانش‌آموزان از پرسشنامه استاندارد پرخاشگری AGQ استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۳۰ گویه است که پاسخ‌دهندگان میزان انطباق هر گویه با ویژگی‌ها و رفتارهای خود را بر اساس یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای مشخص می‌کنند. پرسشنامه AGQ ابعاد مختلف پرخاشگری را در چهار خرده‌مقیاس پرخاشگری فیزیکی، پرخاشگری کلامی، خشم و خصومت ارزیابی می‌کند. پرخاشگری

فیزیکی به تمایل یا بروز رفتارهای آسیب‌زننده جسمانی نسبت به دیگران اشاره دارد، در حالی که پرخاشگری کلامی بیانگر بروز واکنش‌های پرخاشگرانه از طریق کلام، بحث، تهدید یا تعارض لفظی است. خرده‌مقیاس خشم مؤلفه هیجانی پرخاشگری را مورد سنجش قرار می‌دهد و میزان تحریک‌پذیری و تجربه هیجانات مرتبط با عصبانیت را منعکس می‌کند. خصومت نیز بیشتر به جنبه شناختی پرخاشگری و نگرش‌های منفی، بدبینی، سوءظن و احساس خصومت نسبت به دیگران مربوط می‌شود. نمرات بالاتر در این پرسشنامه نشان‌دهنده سطح بالاتر پرخاشگری هستند. در پژوهش حاضر، همسانی درونی پرسشنامه AGQ با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ بررسی شد و مقدار ۰.۸۹ به دست آمد که بیانگر پایایی مطلوب این ابزار در نمونه مورد مطالعه بود. به این ترتیب، ابزارهای مورد استفاده از نظر روایی و پایایی برای سنجش متغیرهای اصلی پژوهش مناسب ارزیابی شدند.

پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، داده‌ها ابتدا از نظر کامل بودن پاسخ‌ها بررسی شدند و سپس برای انجام تحلیل‌های آماری در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ وارد شدند. تحلیل داده‌ها در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی انجام گرفت. در سطح آمار توصیفی، برای توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان و الگوی استفاده آنان از شبکه‌های اجتماعی مجازی از شاخص‌هایی مانند فراوانی و درصد استفاده شد و برای توصیف متغیرهای کمی پژوهش، از جمله میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و نمرات پرخاشگری و خرده‌مقیاس‌های آن، میانگین و انحراف معیار محاسبه شد. در سطح آمار استنباطی، ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی جهت و شدت رابطه میان میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و نمره کلی پرخاشگری و ابعاد آن شامل پرخاشگری فیزیکی، پرخاشگری کلامی، خشم و خصومت به کار گرفته شد. همچنین، برای بررسی تفاوت میانگین پرخاشگری در متغیرهای زمینه‌ای دارای دو گروه از آزمون t مستقل و برای مقایسه میانگین پرخاشگری در متغیرهای دارای بیش از دو گروه از تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده شد. پیش از اجرای آزمون‌های استنباطی، مفروضه‌های لازم برای استفاده از آزمون‌های پارامتریک، از جمله وضعیت توزیع متغیرها و همگنی واریانس‌ها، مورد بررسی قرار گرفت. تمامی آزمون‌های آماری به صورت دوطرفه انجام شدند و سطح معناداری آماری ۰.۰۵ در نظر گرفته شد؛ به این معنا که مقادیر احتمال کمتر از ۰.۰۵ به عنوان شواهدی برای وجود رابطه یا تفاوت معنادار آماری تلقی شدند. نتایج حاصل از این تحلیل‌ها مبنای بررسی ارتباط میان میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و پرخاشگری دانش‌آموزان و همچنین مقایسه سطح پرخاشگری در گروه‌های مختلف مورد مطالعه قرار گرفت.

یافته‌ها

از مجموع ۳۶۵ دانش‌آموز شرکت‌کننده در پژوهش، ۵۱ درصد دختر و ۴۹ درصد پسر بودند. میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۱۶.۹ سال با انحراف معیار ۱.۳ سال بود. این توزیع نشان می‌دهد که از نظر جنسیت، ترکیب نمونه نسبتاً متوازن بوده و اختلاف اندکی میان سهم دانش‌آموزان دختر و پسر وجود داشته است. شرکت‌کنندگان همگی از دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهر یزد بودند و داده‌های حاصل از آنان برای بررسی الگوی استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، انواع خشونت تجربه‌شده و میزان پرخاشگری مورد تحلیل قرار گرفت.

جدول ۱. توزیع فراوانی مدت استفاده روزانه از شبکه‌های اجتماعی مجازی

مدت استفاده روزانه	فراوانی	درصد
کمتر از ۲ ساعت	۵۸	۱۵.۹
۲ تا ۴ ساعت	۱۴۲	۳۸.۹
۴ تا ۶ ساعت	۱۱۵	۳۱.۵
بیش از ۶ ساعت	۵۰	۱۳.۷
کل	۳۶۵	۱۰۰.۰

همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، بیشترین فراوانی مربوط به دانش‌آموزانی بود که روزانه بین ۲ تا ۴ ساعت از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌کردند؛ به طوری که ۱۴۲ نفر معادل ۳۸.۹ درصد نمونه در این گروه قرار داشتند. پس از آن، ۱۱۵ دانش‌آموز معادل ۳۱.۵

درصد روزانه بین ۴ تا ۶ ساعت از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کردند. همچنین، ۵۸ نفر معادل ۱۵,۹ درصد کمتر از ۲ ساعت و ۵۰ نفر معادل ۱۳,۷ درصد بیش از ۶ ساعت در روز از شبکه‌های اجتماعی استفاده داشتند. در مجموع، ۴۵,۲ درصد از شرکت‌کنندگان روزانه بیش از ۴ ساعت از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌کردند که بیانگر شیوع نسبتاً بالای استفاده طولانی‌مدت از این شبکه‌ها در میان دانش‌آموزان مورد مطالعه است.

جدول ۲. انواع خشونت تجربه‌شده توسط دانش‌آموزان

نوع خشونت	فراوانی	درصد	رتبه
خشونت کلامی	۲۶۰	۷۱,۲	۱
خشونت رابطه‌ای	۲۱۴	۵۸,۷	۲
قلدری مجازی	۱۱۵	۴۹,۳	۳
خشونت فیزیکی یا تهدید به خشونت	۵۰	۳۵,۶	۴

بر اساس نتایج جدول ۲، خشونت کلامی با فراوانی ۲۶۰ مورد و ۷۱,۲ درصد، شایع‌ترین شکل خشونت تجربه‌شده توسط دانش‌آموزان بود. خشونت رابطه‌ای با ۷,۵۸ درصد در رتبه دوم قرار گرفت و مواردی مانند طرد از گروه‌های اجتماعی، شایعه‌پراکنی و آسیب به روابط بین‌فردی را دربر می‌گرفت. قلدری مجازی با ۴۹,۳ درصد سومین شکل شایع خشونت بود و رفتارهایی مانند انتشار مطالب یا اطلاعات خصوصی، ایجاد حساب‌های جعلی و ارسال یا انتشار پیام‌های توهین‌آمیز را شامل می‌شد. خشونت فیزیکی یا تهدید به خشونت نیز با ۳۵,۶ درصد کمترین فراوانی را در میان انواع خشونت بررسی‌شده داشت. در مجموع، یافته‌ها نشان داد که اشکال کلامی و رابطه‌ای خشونت در مقایسه با اشکال مبتنی بر تهدید فیزیکی در میان دانش‌آموزان شیوع بیشتری داشتند.

جدول ۳. میانگین و انحراف معیار نمرات خرده‌مقیاس‌های پرسشنامه پرخاشگری AGQ

خرده‌مقیاس	میانگین	انحراف معیار
پرخاشگری فیزیکی	۵,۸	۲,۱
پرخاشگری کلامی	۶,۹	۲,۴
خشم	۵,۷	۲,۲
خصومت	۵,۰	۱,۹
نمره کل پرخاشگری	۲۳,۴	۶,۸

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که میانگین نمره کل پرخاشگری دانش‌آموزان برابر با ۲۳,۴ با انحراف معیار ۶,۸ بود. در میان خرده‌مقیاس‌های پرسشنامه AGQ، پرخاشگری کلامی با میانگین ۶,۹ و انحراف معیار ۲,۴ بالاترین میانگین را داشت. پس از آن، پرخاشگری فیزیکی با میانگین ۵,۸ و انحراف معیار ۲,۱، خشم با میانگین ۵,۷ و انحراف معیار ۲,۲ و خصومت با میانگین ۵,۰ و انحراف معیار ۱,۹ قرار داشتند. بنابراین، در میان ابعاد مورد بررسی، پرخاشگری کلامی برجسته‌ترین بعد پرخاشگری در دانش‌آموزان بود که این یافته با شیوع بیشتر خشونت کلامی در میان انواع خشونت تجربه‌شده نیز همسو بود.

جدول ۴. نتایج آزمون‌های استنباطی مربوط به متغیرهای پژوهش

رابطه مورد بررسی	شاخص آماری	سطح معناداری	نتیجه
مدت استفاده از شبکه‌های اجتماعی و پرخاشگری کل	$r = ۰.۵۸$	$p < ۰.۰۱$	معنادار
جنسیت و نوع خشونت	معنادار	$p < ۰.۰۵$	معنادار
پایگاه اقتصادی - اجتماعی و خشونت مجازی	غیرمعنادار	$p > ۰.۰۵$	غیرمعنادار

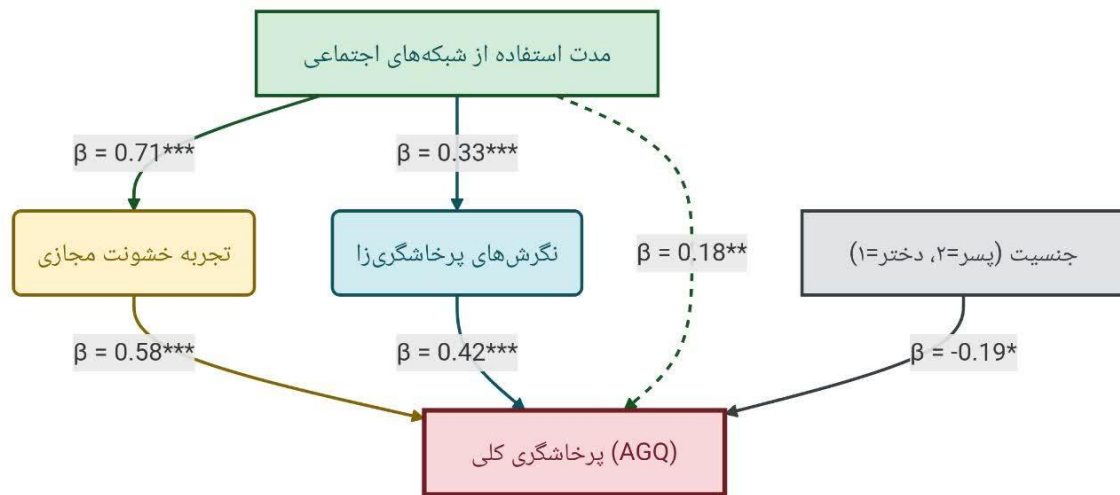
مطابق یافته‌های جدول ۴، بین مدت زمان استفاده روزانه از شبکه‌های اجتماعی مجازی و نمره کل پرخاشگری دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری مشاهده شد ($r = 0.58, p < 0.01$). جهت مثبت این همبستگی نشان داد که افزایش مدت استفاده از شبکه‌های اجتماعی با افزایش نمرات پرخاشگری همراه بود. همچنین، بین جنسیت دانش‌آموزان و نوع خشونت تجربه‌شده تفاوت معناداری مشاهده شد ($p < 0.05$)، که بیانگر تفاوت الگوی خشونت بر حسب جنسیت بود. در مقابل، رابطه میان پایگاه اقتصادی - اجتماعی دانش‌آموزان و خشونت مجازی از لحاظ آماری معنادار نبود ($p > 0.05$). در مجموع، این یافته‌ها نقش مدت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی را در تبیین تفاوت‌های مشاهده‌شده در سطح پرخاشگری برجسته کرد.

برای بررسی همزمان روابط میان مدت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، تجربه خشونت مجازی، نگرش‌های پرخاشگری‌زا و پرخاشگری کلی، مدل معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی و با استفاده از نرم‌افزار Smart PLS ۴ مورد آزمون قرار گرفت. پیش از بررسی مدل ساختاری، مدل اندازه‌گیری از نظر پایایی و روایی ارزیابی شد. مقادیر پایایی ترکیبی تمامی سازه‌ها بیشتر از ۰.۷۰ و مقادیر میانگین واریانس استخراج‌شده بیشتر از ۰.۵۰ بود که به ترتیب نشان‌دهنده پایایی درونی و روایی همگرایی مطلوب سازه‌های مدل بود. همچنین، بررسی معیار فورنل - لارکر نشان داد که جذر میانگین واریانس استخراج‌شده هر سازه از ضرایب همبستگی آن با سایر سازه‌ها بیشتر است و در نتیجه، روایی تشخیصی سازه‌های مدل نیز تأیید شد.

جدول ۵. ضرایب مسیر مستقیم، اثرات غیرمستقیم و اثر کل در مدل ساختاری نهایی

مسیر	ضریب مسیر β	مقدار t	سطح معناداری	نتیجه
مدت استفاده $\leftarrow$ تجربه خشونت مجازی	۰.۷۱	۱۴.۸۲	$p < 0.001$	معنادار
مدت استفاده $\leftarrow$ نگرش‌های پرخاشگری‌زا	۰.۳۳	۵.۰۱	$p < 0.001$	معنادار
تجربه خشونت مجازی $\leftarrow$ پرخاشگری کلی	۰.۵۸	۱۰.۴۵	$p < 0.001$	معنادار
نگرش‌های پرخاشگری‌زا $\leftarrow$ پرخاشگری کلی	۰.۴۲	۷.۳۳	$p < 0.001$	معنادار
مدت استفاده $\leftarrow$ پرخاشگری کلی	۰.۱۸	۳.۱۲	$p < 0.001$	معنادار
جنسیت $\leftarrow$ پرخاشگری کلی	-۰.۱۹	۳.۹۸	$p < 0.001$	معنادار
مدت استفاده $\leftarrow$ تجربه خشونت مجازی $\leftarrow$ پرخاشگری کلی	۰.۴۱	۸.۱۶	$p < 0.001$	معنادار
مدت استفاده $\leftarrow$ نگرش‌های پرخاشگری‌زا $\leftarrow$ پرخاشگری کلی	۰.۱۴	۴.۲۲	$p < 0.001$	معنادار
اثر کل مدت استفاده بر پرخاشگری کلی	۰.۷۳	۱۵.۰۷	$p < 0.001$	معنادار

نتایج جدول ۵ نشان داد که مدت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی اثر مثبت و معناداری بر تجربه خشونت مجازی داشت ($\beta = 0.71, t = 14.82, p < 0.001$) و همچنین به طور مثبت نگرش‌های پرخاشگری‌زا را پیش‌بینی کرد ($\beta = 0.33, t = 5.01, p < 0.001$). تجربه خشونت مجازی اثر مثبت و معناداری بر پرخاشگری کلی داشت ($\beta = 0.58, t = 10.45, p < 0.001$) و نگرش‌های پرخاشگری‌زا نیز به طور مثبت پرخاشگری کلی را پیش‌بینی کردند ($\beta = 0.42, t = 7.33, p < 0.001$). علاوه بر این، اثر مستقیم مدت استفاده بر پرخاشگری کلی نیز مثبت و معنادار بود ($\beta = 0.18, t = 3.12, p < 0.001$). جنسیت نیز اثر مستقیم و معناداری بر پرخاشگری کلی نشان داد ($\beta = -0.19, t = 3.98, p < 0.001$). بررسی اثرات میانجی نشان داد که اثر غیرمستقیم مدت استفاده بر پرخاشگری از طریق تجربه خشونت مجازی برابر با ۰.۴۱ و از طریق نگرش‌های پرخاشگری‌زا برابر با ۰.۱۴ بود که هر دو از لحاظ آماری معنادار بودند. در نهایت، اثر کل مدت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر پرخاشگری کلی برابر با ۰.۷۳ به دست آمد ($t = 15.07, p < 0.001$) که نشان‌دهنده ارتباط نسبتاً قوی میان استفاده بیشتر از شبکه‌های اجتماعی و سطح بالاتر پرخاشگری در مدل نهایی بود.



شکل ۱. مدل معادلات ساختاری نهایی تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر پرخاشگری دانش‌آموزان با ضرایب مسیر استاندارد شده

مدل معادلات ساختاری ارائه شده در شکل ۱ نشان می‌دهد که مدت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی از چند مسیر با پرخاشگری کلی دانش‌آموزان ارتباط داشت. قوی‌ترین مسیر اولیه در مدل مربوط به اثر مدت استفاده بر تجربه خشونت مجازی با ضریب ۰٫۷۱ بود و تجربه خشونت مجازی نیز با ضریب ۰٫۵۸ پرخاشگری کلی را پیش‌بینی کرد. همچنین، مدت استفاده با ضریب ۰٫۳۳ با نگرش‌های پرخاشگری‌زا ارتباط داشت و این نگرش‌ها با ضریب ۰٫۴۲ پرخاشگری کلی را پیش‌بینی کردند. در کنار این دو مسیر غیرمستقیم، یک اثر مستقیم کوچک‌تر اما معنادار از مدت استفاده بر پرخاشگری کلی با ضریب ۰٫۱۸ مشاهده شد. مجموع این مسیرها موجب شد اثر کل مدت استفاده بر پرخاشگری به ۰٫۷۳ برسد. بنابراین، مدل نهایی نشان داد که ارتباط میان استفاده بیشتر از شبکه‌های اجتماعی مجازی و پرخاشگری دانش‌آموزان صرفاً یک رابطه مستقیم نیست، بلکه بخش قابل توجهی از آن از طریق افزایش تجربه خشونت مجازی و تقویت نگرش‌های پرخاشگری‌زا انتقال می‌یابد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر پرخاشگری دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهر یزد بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که بخش قابل توجهی از دانش‌آموزان زمان نسبتاً زیادی را در شبکه‌های اجتماعی مجازی سپری می‌کنند؛ به گونه‌ای که ۴۵٫۲ درصد از نمونه بیش از ۴ ساعت در روز از این شبکه‌ها استفاده داشتند. همچنین، خشونت کلامی شایع‌ترین نوع خشونت تجربه شده بود و پس از آن خشونت رابطه‌ای، قلدری مجازی و خشونت فیزیکی یا تهدید به خشونت قرار داشت. در نتایج پرسشنامه پرخاشگری AGQ نیز پرخاشگری کلامی بالاترین میانگین را در میان خرده‌مقیاس‌ها به خود اختصاص داد. مهم‌تر از همه، بین مدت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و نمره کل پرخاشگری رابطه مثبت و معناداری مشاهده شد و نتایج مدل معادلات ساختاری نیز نشان داد که مدت استفاده، علاوه بر اثر مستقیم، از طریق تجربه خشونت مجازی و نگرش‌های پرخاشگری‌زا به صورت غیرمستقیم با پرخاشگری کلی دانش‌آموزان ارتباط دارد. در مجموع، این نتایج نشان می‌دهد که استفاده گسترده‌تر از شبکه‌های اجتماعی می‌تواند با الگوی پیچیده‌ای از تجربه خشونت و افزایش آمادگی شناختی، هیجانی و رفتاری برای پرخاشگری در نوجوانان همراه باشد.

نخستین یافته مهم پژوهش، رابطه مثبت و معنادار میان مدت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و نمره کل پرخاشگری بود. این یافته با نتایج مطالعاتی همسو است که نشان داده‌اند استفاده گسترده‌تر از شبکه‌های اجتماعی می‌تواند با افزایش رفتارهای پرخاشگرانه، کاهش خودکنترلی و افزایش احتمال واکنش‌های تکانشی در نوجوانان همراه باشد (Amiri & Fallah, 2023). همچنین، یافته حاضر با پژوهش‌هایی

در زمینه پیامدهای فضای مجازی برای دانش‌آموزان همخوان است که نشان داده‌اند حضور طولانی‌مدت در فضای مجازی، در صورت فقدان نظارت و مهارت کافی، می‌تواند با افزایش مشکلات هیجانی و رفتاری همراه شود (Alizadeh & Shamsi, 2023; Saeidi, 2024). به نظر می‌رسد افزایش زمان حضور در شبکه‌های اجتماعی، فرصت مواجهه با تعاملات تعارض‌آمیز، محتوای خشونت‌آمیز، گفت‌وگوهای خصمانه و الگوهای رفتاری ناسازگار را افزایش می‌دهد و در نتیجه می‌تواند زمینه را برای افزایش پرخاشگری فراهم سازد.

این نتیجه را می‌توان بر اساس مدل عمومی پرخاشگری نیز تبیین کرد. مطابق این مدل، مواجهه مکرر با محرک‌های خشونت‌آمیز می‌تواند شناخت‌های پرخاشگرانه، هیجان‌های منفی و برانگیختگی را فعال کند و در صورت تکرار، الگوهای شناختی پایدارتری در جهت رفتار پرخاشگرانه شکل دهد (Anderson & Bushman, 2021). در شبکه‌های اجتماعی، کاربران صرفاً مشاهده‌گر محتوا نیستند، بلکه به طور فعال در تعامل، پاسخ‌دهی، بازنشر و تولید محتوا مشارکت دارند. بنابراین، دانش‌آموزی که زمان بیشتری را در این محیط‌ها سپری می‌کند، ممکن است نه تنها بیشتر در معرض محتوای پرخاشگرانه قرار گیرد، بلکه احتمال بیشتری نیز دارد که وارد تعاملات تعارض‌آمیز شود یا پاسخ‌های پرخاشگرانه دیگران را تجربه کند. این چرخه می‌تواند به مرور زمان حساسیت فرد نسبت به رفتارهای خشونت‌آمیز را کاهش دهد و برخی پاسخ‌های پرخاشگرانه را عادی‌سازی کند.

یافته دیگر پژوهش نشان داد که خشونت کلامی شایع‌ترین نوع خشونت در میان دانش‌آموزان بود. همچنین، در پرسشنامه AGQ نیز پرخاشگری کلامی بالاترین میانگین را در میان ابعاد پرخاشگری به خود اختصاص داد. همزمانی این دو یافته می‌تواند نشان‌دهنده آن باشد که بسترهای آنلاین بیش از آنکه الزاماً زمینه‌ساز خشونت فیزیکی باشند، امکان بروز رفتارهای کلامی خصمانه مانند توهین، تمسخر، تهدید و تحقیر را افزایش می‌دهند. در فضای مجازی، نبود ارتباط چهره‌به‌چهره و کاهش نشانه‌های غیرکلامی ممکن است محدودیت‌های اجتماعی معمول را کاهش دهد و بروز پاسخ‌های کلامی تند را تسهیل کند. این نتیجه با مطالعات مربوط به پرخاشگری سایبری و قلدری مجازی سازگار است که بر نقش پیام‌های توهین‌آمیز، تحقیر، شایعه‌پراکنی و تهدید در ساختار خشونت آنلاین تأکید کرده‌اند (Chakraborty et al., 2021; Hinduja & Patchin, 2018).

همچنین، یافته حاضر با پژوهش‌هایی همسو است که پرخاشگری سایبری را یکی از اشکال مهم رفتارهای مسئله‌ساز نوجوانان معرفی کرده‌اند (Minaei, 2022). از آنجا که رفتار کلامی در محیط آنلاین به سهولت و سرعت قابل اجراست و فرد ممکن است بازخورد فوری پیامدهای رفتار را مشاهده نکند، احتمال بروز آن افزایش می‌یابد. در تعامل حضوری، واکنش هیجانی طرف مقابل می‌تواند نقش بازدارنده داشته باشد، اما در ارتباط دیجیتال این بازخورد کاهش پیدا می‌کند. از این رو، برخی دانش‌آموزان ممکن است پیام‌هایی ارسال کنند که در ارتباط رو در رو از بیان آنها خودداری می‌کردند. این وضعیت می‌تواند به افزایش پرخاشگری کلامی و شکل‌گیری الگوهای تعاملی ناسالم در میان همسالان منجر شود.

نتایج نشان داد که خشونت رابطه‌ای نیز شیوع بالایی در میان دانش‌آموزان داشت. این نوع خشونت می‌تواند شامل طرد از گروه‌های مجازی، شایعه‌پراکنی، تخریب روابط دوستی و تلاش برای آسیب‌زدن به اعتبار اجتماعی فرد باشد. اهمیت این یافته از آنجا ناشی می‌شود که در دوره نوجوانی، پذیرش همسالان و عضویت در گروه اهمیت زیادی دارد و طرد اجتماعی می‌تواند فشار روانی قابل توجهی ایجاد کند. شبکه‌های اجتماعی این امکان را فراهم کرده‌اند که خشونت رابطه‌ای از محیط مدرسه به فضای دیجیتال منتقل شود و حتی دامنه آن افزایش یابد. این موضوع با دیدگاه‌هایی که فضای مجازی را بستری برای شکل‌گیری آسیب‌های روانی - اجتماعی نوجوانان می‌دانند همخوان است (Zakaei, 2020; Zolfaghari & Nouri, 2022).

قلدری مجازی نیز در بخش قابل توجهی از دانش‌آموزان گزارش شد. این یافته با مطالعات پیشین درباره شیوع و پیامدهای قلدری سایبری همسو است. پژوهش‌های تحولی نشان داده‌اند که قلدری مجازی در نوجوانان می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد و با عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی گوناگونی ارتباط پیدا کند (Kowalski et al., 2019). همچنین، گزارش شده است که نوجوانان کم‌سن‌تر نیز در معرض قلدری

سایبری قرار دارند و این تجربه می‌تواند پیامدهای روانی و رفتاری قابل توجهی برای آنان به همراه داشته باشد (Hinduja & Patchin, 2023). بنابراین، مشاهده قلدری مجازی در نمونه حاضر را می‌توان بخشی از الگوی گسترده‌تری از انتقال خشونت همسالان از محیط‌های حضوری به محیط‌های دیجیتال دانست.

نتایج مدل معادلات ساختاری نشان داد که مدت استفاده از شبکه‌های اجتماعی تأثیر قابل توجهی بر تجربه خشونت مجازی داشت. این یافته از نظر نظری اهمیت زیادی دارد، زیرا نشان می‌دهد افزایش زمان استفاده ممکن است فرصت قرار گرفتن در موقعیت‌های پرخطر را افزایش دهد. هرچه نوجوان زمان بیشتری را در فضای شبکه‌های اجتماعی سپری کند، احتمال مواجهه او با تعارض‌های گروهی، پیام‌های توهین‌آمیز، شایعات، تهدیدها و سایر اشکال آزار آنلاین نیز افزایش می‌یابد. مطالعات مربوط به سوءاستفاده از فناوری در روابط نوجوانان نیز نشان داده‌اند که ابزارهای دیجیتال می‌توانند به بستری برای کنترل، تهدید و آزار تبدیل شوند (Afrouz & Vassos, 2024). بنابراین، رابطه مشاهده‌شده میان مدت استفاده و تجربه خشونت مجازی می‌تواند تا حدی ناشی از افزایش میزان مواجهه با موقعیت‌هایی باشد که در آنها احتمال وقوع تعارض و خشونت بیشتر است.

همچنین، تجربه خشونت مجازی اثر مثبت و معناداری بر پرخاشگری کلی داشت. این یافته را می‌توان بر اساس فرایند واکنش متقابل به خشونت تبیین کرد. نوجوانی که بارها هدف توهین، تحقیر یا تهدید قرار می‌گیرد، ممکن است خشم، خصومت و انگیزه تلافی را تجربه کند. این واکنش‌ها می‌توانند احتمال رفتارهای پرخاشگرانه بعدی را افزایش دهند. در ادبیات قلدری سایبری نیز به این نکته اشاره شده است که مرز میان قربانی و مرتکب همیشه ثابت نیست و برخی نوجوانان ممکن است در مقاطع مختلف هم قربانی و هم عامل رفتارهای پرخاشگرانه باشند (Chakraborty et al., 2021; Kowalski et al., 2019). از این منظر، خشونت مجازی می‌تواند بخشی از یک چرخه تعاملی باشد که در آن تجربه خشونت احتمال پاسخ پرخاشگرانه را افزایش می‌دهد.

یافته دیگر مدل نشان داد که مدت استفاده از شبکه‌های اجتماعی با نگرش‌های پرخاشگری‌زا ارتباط مثبت داشت و این نگرش‌ها نیز به نوبه خود پرخاشگری کلی را افزایش می‌دادند. این نتیجه با مفروضه‌های مدل عمومی پرخاشگری همخوانی زیادی دارد. مطابق این مدل، مواجهه مکرر با رفتارهای خشونت‌آمیز و هنجارهایی که پرخاشگری را قابل قبول نشان می‌دهند، می‌تواند به شکل‌گیری باورها و طرحواره‌های شناختی موافق با پرخاشگری منجر شود (Anderson & Bushman, 2021). در شبکه‌های اجتماعی، اگر نوجوان بارها مشاهده کند که توهین، تمسخر یا تهدید با دریافت توجه، تأیید گروهی یا افزایش محبوبیت همراه است، ممکن است این رفتارها را به عنوان راهبردهایی مؤثر در تعامل اجتماعی درونی کند. در نتیجه، رابطه میان مدت استفاده و پرخاشگری می‌تواند تا حدی از طریق تغییر در نگرش‌ها و هنجارهای شناختی توضیح داده شود.

از سوی دیگر، نتایج نشان داد که مدت استفاده همچنان پس از وارد شدن متغیرهای میانجی، اثر مستقیم و معناداری بر پرخاشگری کلی داشت. این موضوع نشان می‌دهد که تجربه خشونت مجازی و نگرش‌های پرخاشگری‌زا همه سازوکارهای این رابطه را توضیح نمی‌دهند و عوامل دیگری نیز احتمالاً در این مسیر نقش دارند. یکی از این عوامل می‌تواند کاهش تعاملات حضوری و افزایش احساس انزوای اجتماعی باشد. یافته‌های پژوهشی نشان داده‌اند که استفاده بیشتر از رسانه‌های اجتماعی می‌تواند با احساس بیشتر انزوای اجتماعی همراه باشد (Primack, 2023). احساس انزوا یا کاهش کیفیت روابط حضوری ممکن است در برخی نوجوانان به افزایش تحریک‌پذیری، خشم و واکنش‌های خصمانه منجر شود و از این طریق پرخاشگری را افزایش دهد.

عامل دیگر می‌تواند کاهش خودکنترلی در استفاده طولانی‌مدت از شبکه‌های اجتماعی باشد. نتایج پژوهش‌های پیشین نشان داده است که میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی، خودکنترلی و پرخاشگری در نوجوانان ارتباط معناداری وجود دارد (Amiri & Fallah, 2023). استفاده مستمر از محیط‌های دیجیتال که با تحریک‌های سریع، پاسخ‌های فوری و پاداش‌های لحظه‌ای همراه است، ممکن است کنترل تکانه را دشوارتر کند. در چنین شرایطی، نوجوان هنگام مواجهه با انتقاد یا تعارض ممکن است سریع‌تر و بدون ارزیابی پیامدها پاسخ دهد. از این رو، خودکنترلی

می‌تواند یکی از متغیرهایی باشد که در پژوهش حاضر مستقیماً اندازه‌گیری نشده اما احتمالاً بخشی از رابطه میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و پرخاشگری را توضیح می‌دهد.

نتایج همچنین نشان داد که جنسیت با پرخاشگری کلی ارتباط معناداری داشت. اگرچه جهت این رابطه به نحوه کدگذاری جنسیت وابسته است و تفسیر آن باید با توجه به کدگذاری متغیر صورت گیرد، معناداری این مسیر نشان می‌دهد که الگوی پرخاشگری ممکن است میان دانش‌آموزان دختر و پسر متفاوت باشد. یافته‌های قبلی نیز نقش جنسیت را در رابطه میان استفاده از رسانه‌های اجتماعی، خودکنترلی و پرخاشگری مطرح کرده‌اند (Amiri & Fallah, 2023). ممکن است دختران و پسران از نظر نوع خشونت‌ی که تجربه یا اعمال می‌کنند، نحوه واکنش به تعارضات دیجیتال و شیوه ابراز خشم تفاوت داشته باشند. برای مثال، برخی اشکال غیرمستقیم و رابطه‌ای پرخاشگری ممکن است در یک گروه و رفتارهای مستقیم‌تر در گروه دیگر بیشتر دیده شود.

در مقابل، رابطه میان پایگاه اقتصادی - اجتماعی و خشونت مجازی در این پژوهش معنادار نبود. این یافته می‌تواند نشان دهد که با گسترش گسترده دسترسی به تلفن همراه و شبکه‌های اجتماعی، تجربه خشونت مجازی الزاماً محدود به گروه‌های اقتصادی خاص نیست. شبکه‌های اجتماعی به محیط‌هایی فراگیر تبدیل شده‌اند و دانش‌آموزان از طبقات مختلف اجتماعی می‌توانند در معرض اشکال مشابهی از تعاملات منفی قرار گیرند. در چنین شرایطی، عوامل فردی و ارتباطی مانند نحوه استفاده، کیفیت روابط، سواد رسانه‌ای و مهارت‌های تنظیم هیجان ممکن است اهمیت بیشتری از پایگاه اقتصادی - اجتماعی داشته باشند.

از منظر پیشگیری، یافته‌های پژوهش حاضر با مطالعاتی همسو است که بر نقش آموزش در کاهش آسیب‌های فضای مجازی تأکید کرده‌اند. طراحی الگوهای آموزشی برای پیشگیری از آسیب‌های فضای مجازی می‌تواند به دانش‌آموزان در شناخت موقعیت‌های پرخطر، مدیریت رفتار آنلاین و واکنش مناسب به تعارض کمک کند (Ghasemi & Mousavi, 2022). همچنین، سواد رسانه‌ای می‌تواند نقش حفاظتی در برابر رفتارهای پرخطر آنلاین داشته باشد و نوجوانانی که توانایی بیشتری در تحلیل و ارزیابی محتوای رسانه‌ای دارند، ممکن است کمتر درگیر رفتارهای آسیب‌زا شوند (Wright & Wachs, 2023). بنابراین، نتایج حاضر نه تنها بر اهمیت کنترل مدت استفاده تأکید دارند، بلکه نشان می‌دهند کیفیت استفاده و مهارت‌های شناختی و رفتاری مرتبط با فضای مجازی نیز باید مورد توجه قرار گیرند.

همچنین، یافته‌های پژوهش با مطالعاتی که نقش شبکه‌های اجتماعی و سایر رسانه‌های دیجیتال را در افزایش پرخاشگری و مشکلات تحصیلی دانش‌آموزان بررسی کرده‌اند همسواست (Balazadeh, 2020). از این منظر، استفاده طولانی از شبکه‌های اجتماعی می‌تواند بخشی از زمان لازم برای فعالیت‌های تحصیلی، تعامل خانوادگی و فعالیت بدنی را نیز کاهش دهد و زمینه را برای مشکلات بیشتر فراهم کند. چنین پیامدهایی می‌توانند به طور غیرمستقیم سطح تنش و ناکامی نوجوان را افزایش دهند و بر رفتار پرخاشگرانه اثر بگذارند. این تبیین، رابطه مشاهده‌شده میان استفاده گسترده‌تر و پرخاشگری را در بستری گسترده‌تر از سبک زندگی نوجوانان قرار می‌دهد.

در مجموع، یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که رابطه میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و پرخاشگری دانش‌آموزان یک رابطه ساده و تک‌عاملی نیست، بلکه از مجموعه‌ای از فرایندهای مستقیم و غیرمستقیم تشکیل شده است. افزایش مدت استفاده می‌تواند احتمال تجربه خشونت مجازی را افزایش دهد، نگرش‌های پرخاشگری‌زا را تقویت کند و به طور مستقیم نیز با پرخاشگری مرتبط باشد. همزمان، ویژگی‌های محیط مجازی مانند ناشناس بودن، سرعت تعامل، محدود بودن بازخورد چهره‌به‌چهره و امکان تداوم تعارض خارج از مدرسه می‌توانند این اثرات را تشدید کنند (Hinduja & Patchin, 2018; Zolfaghari & Nouri, 2022). این الگو ضرورت نگاه چندبعدی به مسئله را نشان می‌دهد و تأکید می‌کند که کاهش خشونت دانش‌آموزان نیازمند مداخلاتی است که هم رفتار فردی، هم مهارت‌های رسانه‌ای و هم محیط خانواده و مدرسه را هدف قرار دهند.

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی همراه بود که باید در تفسیر نتایج مورد توجه قرار گیرد. نخست، داده‌ها با استفاده از ابزارهای خودگزارشی گردآوری شدند و در نتیجه امکان تأثیر سوگیری پاسخ‌دهی، تمایل به ارائه تصویر اجتماعی مطلوب یا عدم یادآوری دقیق رفتارها وجود دارد.

دوم، طراحی پژوهش از نوع پیمایشی و مقطعی بود؛ بنابراین، با وجود استفاده از مدل معادلات ساختاری، نمی‌توان روابط مشاهده‌شده را به صورت قطعی علی تفسیر کرد. سوم، جامعه پژوهش محدود به دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهر یزد بود و تعمیم نتایج به دانش‌آموزان سایر شهرها، گروه‌های سنی یا بافت‌های فرهنگی باید با احتیاط انجام شود. همچنین، در این پژوهش مدت استفاده از شبکه‌های اجتماعی به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی مصرف در نظر گرفته شد، در حالی که نوع پلتفرم، ماهیت فعالیت کاربر، نوع محتوای مشاهده‌شده و نحوه مشارکت در شبکه‌ها نیز می‌توانند در ارتباط با پرخاشگری نقش داشته باشند. افزون بر این، برخی متغیرهای بالقوه اثرگذار مانند سبک فرزندپروری، کیفیت روابط خانوادگی، ویژگی‌های شخصیتی، خودکنترلی و حمایت اجتماعی مستقیماً در مدل بررسی نشدند.

پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با استفاده از طرح‌های طولی، تغییرات استفاده از شبکه‌های اجتماعی و پرخاشگری را در طول زمان بررسی کنند تا جهت روابط میان متغیرها با دقت بیشتری مشخص شود. انجام پژوهش‌های مقایسه‌ای در شهرها و استان‌های مختلف و در مقاطع تحصیلی متفاوت نیز می‌تواند قابلیت تعمیم یافته‌ها را افزایش دهد. همچنین، پیشنهاد می‌شود علاوه بر مدت استفاده، نوع پلتفرم، هدف استفاده، نوع محتوای مصرفی، استفاده فعال یا منفعل و میزان مشارکت در تعاملات گروهی اندازه‌گیری شود. بررسی نقش میانجی یا تعدیل‌کننده متغیرهایی مانند خودکنترلی، تنظیم هیجان، سواد رسانه‌ای، حمایت اجتماعی، کیفیت رابطه والد - فرزند و سبک‌های فرزندپروری نیز می‌تواند به ارائه مدل‌های تبیینی جامع‌تر کمک کند. استفاده همزمان از گزارش دانش‌آموز، والدین و معلمان و نیز به‌کارگیری داده‌های رفتاری واقعی مربوط به مدت استفاده از تلفن همراه می‌تواند اعتبار اندازه‌گیری‌ها را افزایش دهد. همچنین، طراحی پژوهش‌های مداخله‌ای برای ارزیابی اثربخشی آموزش سواد رسانه‌ای، مدیریت خشم و مهارت‌های ارتباطی بر کاهش پرخاشگری مرتبط با فضای مجازی توصیه می‌شود.

بر اساس یافته‌های پژوهش، مدارس می‌توانند برنامه‌های منظم آموزش سواد رسانه‌ای، مدیریت خشم، خودکنترلی و مهارت‌های حل تعارض را در برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای دانش‌آموزان ادغام کنند. والدین نیز لازم است به جای محدودیت صرف، با نوجوانان درباره نحوه استفاده مسئولانه از شبکه‌های اجتماعی، مدیریت زمان و مواجهه صحیح با خشونت آنلاین گفت‌وگو کنند و قوانین روشن و متناسب با سن برای استفاده از فضای مجازی تدوین کنند. ایجاد سازوکارهای محرمانه و قابل اعتماد در مدارس برای گزارش قلدری مجازی و خشونت کلامی می‌تواند به شناسایی زودهنگام موارد پرخطر کمک کند. همچنین، مشاوران مدارس باید دانش‌آموزانی را که استفاده بسیار زیاد از شبکه‌های اجتماعی، خشم بالا، خصومت یا تجربه مکرر خشونت آنلاین دارند به عنوان گروه‌های در معرض خطر شناسایی و خدمات حمایتی مناسب را برای آنان فراهم کنند. در سطح سیاست‌گذاری نیز توسعه محتوای آموزشی مناسب برای نوجوانان، آموزش والدگری دیجیتال و همکاری میان مدارس، خانواده‌ها و نهادهای مرتبط با فضای مجازی می‌تواند در کاهش پیامدهای رفتاری استفاده ناسالم از شبکه‌های اجتماعی مؤثر باشد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران از تمامی شرکت کنندگان که در اجرای پژوهش حاضر کمک نمودند نهایت قدردانی و سپاس را دارند.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

چکیده گسترده

EXTENDED ABSTRACT

Introduction

The rapid expansion of digital communication technologies and social networking platforms has fundamentally transformed the ways in which adolescents communicate, construct social relationships, access information, and spend their leisure time. Social media platforms have become deeply embedded in the everyday lives of students and now represent one of the most influential social environments outside the family and school. Although these platforms provide important opportunities for communication, learning, identity exploration, peer interaction, and social participation, excessive or poorly regulated use may expose adolescents to a range of psychological, behavioral, and interpersonal risks. Adolescence is particularly sensitive in this regard because it is characterized by heightened responsiveness to peer approval, increasing independence, identity formation, emotional instability, and the gradual development of self-regulatory capacities. Consequently, experiences within digital environments may exert a considerable influence on adolescents' emotional and behavioral functioning (Barry, 2022; Zakaei, 2020).

Among the behavioral outcomes associated with extensive digital media exposure, aggression has attracted substantial research attention. Aggression is a multidimensional construct that may include physical aggression, verbal aggression, anger, and hostility. In school-aged populations, these manifestations can negatively influence peer relationships, classroom climate, academic adjustment, psychological well-being, and broader social functioning. The growing integration of social media into adolescent life has also expanded the settings in which aggressive behaviors can emerge. Digital communication may facilitate insults, threats, humiliation, exclusion, rumor spreading, hostile exchanges, and other forms of interpersonal aggression that are less constrained by the immediate social feedback present in face-to-face communication (Amiri & Fallah, 2023; Minaei, 2022).

The General Aggression Model provides a useful theoretical framework for understanding these processes. According to this model, repeated exposure to aggressive stimuli can activate aggressive thoughts, negative affect, and physiological arousal, thereby increasing the likelihood of aggressive responses. Repeated experiences may gradually strengthen aggressive scripts, beliefs, and normative expectations, making aggressive reactions more cognitively accessible in future interactions (Anderson & Bushman, 2021). Social networking platforms may intensify this process because users are not merely passive recipients of content; they simultaneously observe, create, share, comment on, and respond to material generated by others.

Accordingly, adolescents may repeatedly encounter aggressive norms while also participating directly in hostile interactions.

Cyberaggression and cyberbullying are among the most prominent manifestations of digitally mediated violence. They may involve insulting messages, online threats, public humiliation, spreading rumors, sharing private information, exclusion from online groups, impersonation, and coordinated harassment. Unlike traditional bullying, cyberbullying can occur beyond school hours, reach large audiences quickly, and persist through repeated circulation of harmful content (Chakraborty et al., 2021; Hinduja & Patchin, 2018). Developmental studies have further demonstrated that cyberbullying is associated with multiple individual, familial, and social risk factors, while supportive parenting, positive school attachment, and self-regulatory skills may serve protective functions (Kowalski et al., 2019). Evidence also suggests that cyberbullying affects younger adolescents and can produce significant emotional and behavioral consequences (Hinduja & Patchin, 2023).

The amount of time adolescents spend on social media may be particularly relevant because longer exposure increases opportunities for encountering conflict, aggressive content, social comparison, peer rejection, and online harassment. Excessive social media use may also displace face-to-face interaction and has been associated with greater perceived social isolation among young people (Primack, 2023). Moreover, online interaction can facilitate relational aggression and technology-mediated abuse within adolescent relationships, including monitoring, coercion, threats, and privacy violations (Afrouz & Vassos, 2024). Iranian studies have similarly indicated that cyberspace and social networking use may be associated with higher aggression, emotional difficulties, academic problems, and other psychosocial risks among students (Alizadeh & Shamsi, 2023; Balazadeh, 2020; Saeidi, 2024).

Nevertheless, the effects of social media are not uniform. Media literacy, self-control, emotional regulation, family supervision, and educational support may influence how adolescents respond to digital risks. Evidence suggests that media literacy may reduce adolescents' involvement in risky online behaviors (Wright & Wachs, 2023), while preventive educational models can improve students' awareness and management of cyberspace-related harms (Ghasemi & Mousavi, 2022). Psychosocial approaches to cyberspace therefore emphasize the interaction of individual, family, school, peer, and digital-context factors rather than attributing aggression to technology alone (Zolfaghari & Nouri, 2022). Against this background, the present study aimed to examine the effect of virtual social network use on aggression among upper secondary school students in Yazd using the Aggression Questionnaire (AGQ).

Methods and Materials

This applied study employed a descriptive survey design. The statistical population consisted of all 7,600 upper secondary school students enrolled in Yazd during the 2023–2024 academic year. Using Cochran's formula with an error level of 0.05 and variance estimates based on previous research, a sample size of 365 students was determined. Participants were selected through random sampling. Five educational regions of Yazd were randomly selected, followed by the random selection of four schools from each region. Eligible students were then recruited from the selected schools. Participation was voluntary, and students were informed about the purpose of the study, confidentiality of responses, anonymity, and their right to discontinue participation.

Data were collected using a researcher-developed questionnaire and the standard Aggression Questionnaire. The researcher-developed instrument included six demographic items and eight items assessing the extent and pattern of social media use. Content validity was evaluated by five specialists in educational sciences and psychology. Construct validity was assessed through exploratory factor analysis. Internal consistency of the researcher-developed questionnaire was acceptable, with a Cronbach's alpha coefficient of 0.87.

Aggression was assessed using the 30-item AGQ, scored on a five-point Likert scale. The instrument evaluates four dimensions of aggression: physical aggression, verbal aggression, anger, and hostility. Higher scores

indicate greater levels of aggression. In the present study, the Cronbach's alpha coefficient for the AGQ was 0.89, indicating satisfactory internal consistency. The questionnaires required approximately 25–30 minutes to complete.

Data were analyzed using SPSS version 26. Descriptive statistics included frequency, percentage, mean, and standard deviation. Inferential analyses included Pearson's correlation coefficient, independent-samples *t* tests, and analysis of variance. In addition, a structural equation model was tested using the partial least squares approach in SmartPLS 4. The measurement model was evaluated using composite reliability, average variance extracted, and the Fornell–Larcker criterion. Direct, indirect, and total effects were then assessed in the structural model.

Findings

Among the 365 participating students, 51% were female and 49% were male. The mean age was 16.9 years with a standard deviation of 1.3 years. Regarding daily social media use, 15.9% of the students reported using social networks for less than two hours, 38.9% for two to four hours, 31.5% for four to six hours, and 13.7% for more than six hours per day. Overall, 45.2% of participants used social media for more than four hours daily, indicating a substantial level of prolonged exposure.

Verbal violence was the most frequently reported form of violence, affecting 71.2% of participants. Relational violence ranked second at 58.7%, followed by cyberbullying at 49.3%, while physical violence or threats of physical violence were reported by 35.6% of students. These findings indicate that nonphysical forms of violence, particularly verbal and relational aggression, were more prominent than direct physical threats.

The mean total aggression score was 23.4 with a standard deviation of 6.8. Among the AGQ subscales, verbal aggression had the highest mean score at 6.9 ± 2.4 . Physical aggression had a mean of 5.8 ± 2.1 , anger had a mean of 5.7 ± 2.2 , and hostility had the lowest mean at 5.0 ± 1.9 . Thus, verbal aggression emerged as the most prominent component of aggression among the students.

Pearson correlation analysis demonstrated a positive and statistically significant relationship between duration of social media use and total aggression score ($r = 0.58$, $p < 0.01$). Gender was also significantly associated with type of violence ($p < 0.05$), whereas socioeconomic status was not significantly related to cyber violence ($p > 0.05$).

The structural equation model further supported these relationships. Duration of social media use had a strong positive effect on the experience of cyber violence ($\beta = 0.71$, $t = 14.82$, $p < 0.001$) and a positive effect on aggression-promoting attitudes ($\beta = 0.33$, $t = 5.01$, $p < 0.001$). Cyber violence significantly predicted overall aggression ($\beta = 0.58$, $t = 10.45$, $p < 0.001$), while aggression-promoting attitudes also had a significant positive effect on overall aggression ($\beta = 0.42$, $t = 7.33$, $p < 0.001$). A smaller but statistically significant direct effect of social media use on overall aggression was also observed ($\beta = 0.18$, $t = 3.12$, $p < 0.001$). Gender significantly predicted overall aggression ($\beta = -0.19$, $t = 3.98$, $p < 0.001$).

The indirect effect of social media use on aggression through cyber violence was statistically significant ($\beta = 0.41$, $t = 8.16$, $p < 0.001$). The indirect pathway through aggression-promoting attitudes was likewise significant ($\beta = 0.14$, $t = 4.22$, $p < 0.001$). The total effect of social media use on aggression was substantial and statistically significant ($\beta = 0.73$, $t = 15.07$, $p < 0.001$). Composite reliability values for all latent constructs exceeded 0.70, average variance extracted values were above 0.50, and the Fornell–Larcker criterion supported discriminant validity.

Discussion and Conclusion

The findings indicate that extensive social media use is meaningfully associated with higher aggression among upper secondary school students. The moderate positive correlation between daily social media exposure and total aggression suggests that students who spend more time in virtual social environments tend to report higher levels of aggressive thoughts, emotions, and behaviors. The structural model further clarified that this

relationship is not exclusively direct. A considerable proportion of the association appears to operate through increased exposure to cyber violence and the development or reinforcement of attitudes that normalize aggressive responses.

The prominence of verbal aggression in both reported violence experiences and AGQ scores is particularly notable. Digital environments facilitate rapid verbal exchanges and can reduce some of the social constraints that typically regulate face-to-face behavior. As a result, hostile comments, insults, ridicule, and threats may become relatively common expressions of interpersonal conflict. Relational violence was also highly prevalent, indicating that exclusion, rumor spreading, and damage to peer relationships constitute important components of students' online experiences.

The significant mediating role of cyber violence suggests the existence of a potentially reciprocal process in which greater exposure to social networks increases opportunities for experiencing aggression, while such experiences may subsequently contribute to anger, hostility, retaliation, and broader aggressive behavior. Similarly, the mediating effect of aggression-promoting attitudes suggests that repeated exposure to aggressive norms may gradually influence students' beliefs about the acceptability or effectiveness of aggression.

The results also imply that interventions should not focus solely on reducing screen time. Although duration of use is important, the type of online interaction, exposure to harmful content, emotional self-regulation, digital literacy, and peer norms are also likely to determine whether social media use becomes problematic. Schools and families therefore need integrated strategies that combine reasonable time management with media literacy, anger management, conflict-resolution skills, cyberbullying prevention, and supportive parent-adolescent communication.

Overall, the study demonstrates that prolonged use of virtual social networks is significantly associated with aggression among upper secondary school students and that cyber violence and aggression-promoting attitudes represent important mechanisms through which this relationship may operate. These findings underscore the need for coordinated educational, familial, and school-based interventions aimed at promoting responsible social media use, strengthening emotional and behavioral self-regulation, and reducing students' exposure to and participation in online violence.

فهرست منابع

References

- Afrouz, R., & Vassos, S. (2024). Adolescents' Experiences of Cyber-Dating Abuse and the Pattern of Abuse through Technology: A Scoping Review. *Trauma, Violence, & Abuse*, 25(4), 2814-2828.
- Alizadeh, S., & Shamsi, L. (2023). *Examining the Impact of Cyberspace on Aggression and Emotional Education of Students* First International and Second National Conference on Psychology and Religion, Ardabil, Iran.
- Amiri, S., & Fallah, M. (2023). The Relationship between Social Media Use, Aggression, and Self-Control in Adolescents: The Moderating Role of Gender. *Developmental Psychology: Iranian Psychologists*, 19(74), 271-286.
- Anderson, C. A., & Bushman, B. J. (2021). Media Violence and the General Aggression Model. *Journal of Social Issues*, 77(1), 64-89.
- Balazadeh, Z. (2020). Examining the Role of Social Networks and Computer Games in Aggression and Academic Anxiety among Female Upper Secondary School Students in District 8 of Tehran. *Management and Educational Perspective*, 2(2), 113-132.
- Barry, C. T. (2022). The Role of Social Media in Adolescent Development. In *The Sage Encyclopedia of Adolescent Development*. Sage Publications.
- Chakraborty, S., Bhattacharjee, A., & Onuchowska, A. (2021). Cyberbullying: A Review of the Literature.
- Ghasemi, V., & Mousavi, S. M. (2022). Designing an Educational Model for Preventing Cyberspace Harms among Students. *Quarterly Journal of Media and Culture*, 12(1), 123-150.
- Hinduja, S., & Patchin, J. W. (2018). *Bullying Beyond the Schoolyard: Preventing and Responding to Cyberbullying* (2nd ed.). Corwin Press.

- Hinduja, S., & Patchin, J. W. (2023). Cyberbullying among Tweens in the United States: Prevalence, Impact, and Helping Behaviors. *Journal of Early Adolescence*, 43(3), 414-439.
- Kowalski, R. M. (2020). Bullying and Cyberbullying in Adulthood and the Workplace. *Journal of Social Issues*, 76(3), 1017-1038.
- Kowalski, R. M., Limber, S. E., & McCord, A. (2019). A Developmental Approach to Cyberbullying: Prevalence and Protective Factors. *Aggression and Violent Behavior*, 45, 20-32.
- Minaei, A. (2022). Cyber Aggression in Adolescents. *Scientific Quarterly of Psychometrics*, 10(40), 37-49.
- Primack, B. A. (2023). Social Media Use and Perceived Social Isolation among Young Adults: A Cross-Sectional Analysis. *American Journal of Preventive Medicine*, 64(2), 275-281.
- Saeidi, A. (2024). Examining the Impact of Cyberspace and the Internet on Elementary School Students. *Management of Educational Research and Technology*, 5(2), 18-23.
- Wright, M. F., & Wachs, S. (2023). Does Media Literacy Help? An Examination of Online Risky Behaviors among Adolescents in Four Countries. *New Media & Society*, 25(4), 849-871.
- Zakaei, M. S. (2020). *Culture and Cyberspace: Opportunities and Threats of Social Networks for Adolescents*. Elm Publications.
- Zolfaghari, F., & Nouri, A. (2022). *Psychosocial Pathology of Cyberspace for Adolescents: From Theory to Intervention*. Shahid Beheshti University Press.